

فصل ۲

- مردم خیلی تمایل دارند که خدا را به عنوان شخصی از خانواده سلطنتی تلقی کنند.
- اگر شخصی در همین لحظه به من ثابت کند که خدا به همه بزرگی و عظمتش وجود دارد، هیچ تغییری در رفتار من ایجاد نخواهد شد.
- مشکل مردمان امروز این است که هنوز خدائی به بزرگی دنیای مدرن امروز پیدا نکرده اند.
- مسیحیت عنوانی است که اگر اشتباه باشد هیچ ارزشی ندارد و اگر درست باشد ارزشی بینهایت دارد. حد وسطی برای آن نیست.

کدامیک از گفته های بالا برای شما بیشتر تعجب آور است؟ چرا؟

کدامیک از گفته های ذیل به بهترین نحو، نظر شما نسبت به خدا را توضیح میدهد:

۱. یک تخیل بسیار شیرین و دلپذیر.
۲. همه چیز را آفرید اما الان هیچ اثری از او نیست.
۳. بی احساس و بی تفاوت؛ چرا وقتش را با ما تلف کند؟
۴. در کنترل؛ ولی میخواهد ما خودمان مسائل زندگی مان را حل کنیم.
۵. در طبیعت؛ یک شخص نیست اما ماهیت دارد.
۶. پدری پرمحبت؛ دوستی بی عیب و کامل.
۷. موارد دیگر.

فکر میکنید اکثر مردم چه میگویند؟

در سر شماری که صورت گرفته، ۹۰ درصد از مردم به "قدرتی بالاتر" عقیده دارند. اما در عین حال همان مردم خیلی کمتر ایمان را در زندگی روزمره شان وارد میکنند. فکر میکنید دلیل این تفاوت چیست؟

با اینحال اکثر مردم "فشار" را در زندگی امروز احساس میکنند، خانواده، شغل و جامعه ای که بطور گسترده در حال تغییر و تحول است این فشارها را وارد میکند. اکثر ما با ۲ مسئله اصلی دست و پنجه نرم میکنیم:

- من چگونه میتوانم با وجود شرکت در این مسابقه زندگی، قانع و راضی باشم؟
 - من چگونه میتوانم با دردها و اغتشاش از دواج، فرزندان و شغلم رو به رو بشوم؟
- واقعاً این مسابقه زندگی چیست؟ آیا تا به حال کسی این "مسابقه" را برده است؟ همه انسانها کم و بیش در این مسابقه شرکت کرده اند و فشارش را متحمل شده اند. ما خیلی سعی میکنیم که به اصطلاح همه موارد را در کنترل داشته باشیم اما سختی اش همیشه مثل بندی است که به سینه ما فشار می آورد. بعضی مواقع وظایف و مشکلات آنقدر به ما فشار میاورد که از درون بدن ما خموده و خرد شده است حتی اگر بتوانیم ظاهر خودمان را حفظ کنیم.
- آیا این موارد در مورد شما صدق میکند؟ چرا و چرا نه؟
- اشخاصی خدا را به عنوان کسی که دنیا را آفریده است اما دیگر نقشی در آفرینش خود بازی نمیکند قبول دارند. برعکس، اشخاصی هستند که خدا را پیشخدمت و پادوی خود می دانند که او بلافاصله سلامتی، ثروت و هر چه بخواهند را تهیه خواهد کرد، اگر فقط ایمان داشته باشند. آیا این دو عقیده منطقی هستند؟ بگذارید این مسئله را با پرسیدن دو سؤال باز کنیم:
- . آیا خدا به زندگی من ربط دارد؟
 - . آیا میتوانم در مورد نیازهایم به خدا توکل کنم؟

مورد اول: آیا خدا به زندگی من ربط دارد؟

به سه نفر از نزدیکترین افراد زندگی تان فکر کنید. آنها نظرشان راجع به خدا چیست؟

در زندگی و مشکلات شما، خدا تا چه حدی وارد میشود؟

از لیست ذیل بررسی کنید و آنها را آنهایی که برای شما مشکل ایجاد کرده اند را علامت بزنید:

جنس مخالف

شغل

ازدواج

فرزندان

مادیات

خانواده

وقتی زندگی، ما را به نحوی مایوس میکند، ما آنرا به حساب خدا میگذاریم، او را مقصر میدانیم و یا حتی شاید به حساب بی تفاوتی او میگذاریم. اما کتاب مقدس داستان دیگری به ما میگوید. که خدا صد در صد به ما اهمیت میدهد، بخصوص به آن چیزهایی که ما خیلی اهمیت میدهیم نه به عنوان یک پیشخدمت بلکه به عنوان پدری با محبت.

حالا ببینیم خدا با سه موردی که مردم در دنیای مدرن امروز اهمیت میدهند چگونه برخورد میکند:

شغل، روابط و مادیات.

در مورد شغل: کولسیان ۳: ۲۳-۲۵ "و آنچه کنید از دل کنید بخاطر خداوند نه بخاطر انسان چون میدانید که از خداوند اجر خود را خواهید یافت چونکه مسیح خداوند را بندگی میکنید زیرا هر که ظلم کند آن ظلمی را که کرد خواهد یافت و ظاهر بینی نیست." حالا به محل کار خود فکر کنید، چگونه محیطی خواهد بود اگر همه کارکنان چنین رفتاری را پیش گیرند؟

در مورد روابط: نام ۵ نفر از مهمترین اشخاص زندگی تان را بنویسید.

اول قرنیتان ۱۳: ۴-۷ "محبت حلیم و مهربان است. محبت حسد نمیبرد. محبت کبر و غرور ندارد. اعتماد دارد. در اطوار ناپسندیده ندارد و نفع خود را طالب نمیشود. خشم نمیگیرد و سوء ظن ندارد. از ناراستی خوشوقت نمیگردد ولی با راستی شادی میکند. در همه چیز صبر میکند همیشه همه حال امیدوار است و هر چیز را متحمل میباشد."

کلمه اصلی در آیات بالا چیست؟

انجام کدامیک از این رفتارها برای شما سخت است؟

به نظر شما چگونه شخصی میتواند دارای تمام این خصوصیات باشد؟

آیا کسی را می شناسید که اینگونه رفتار کند؟

افسسیان ۵: ۲۵-۲۶ "ای شوهران زنان خود را محبت نمائید چنانکه مسیح هم کلیسا را محبت نمود و خویشتن را برای آن داد. تا آنرا به غسل آب بوسیله کلام طاهر ساخته تقدیس نماید.

در مورد آیاتی که در این قسمت خواندید فکر میکنید نظر خدا نسبت به روابط انسانها چیست؟

در مورد مادیات: ممکن است تعجب کنید اگر بدانید که کتاب مقدس در مورد پول بیشتر از هر موضوع دیگر به تنهایی صحبت کرده است (بیشتر از ۲۳۰۰ آیه). چگونه کتاب قدیمی مانند کتاب

مقدس می تواند راهی برای حل کردن مشکلات مادی ما در این قرن باشد؟

امثال سلیمان ۲۲: ۷ "توانگر بر فقیر تسلط دارد و مدیون، غلام طلب کار است."

اول تیموتائوس ۶: ۷ "زیرا که در این دنیا هیچ نیافریدیم و واضح است که از آن هیچ نمیتوانیم برد."

مرور کردن آیات کتاب مقدس در مورد شغل، روابط و پول، چه نقطه نظری که برای شما جالب باشد را بوجود می آورد؟

در موارد سخت زندگی چگونه؟

آگاهی و حکمت خدا در کتاب مقدس فراتر از هر مشکل است.

به طور مثال کلمات زیر را با آیات کتاب مقدس تطبیق دهید:

تشویش
عصبانیت
مرگ
آزردگی

جامعه ۷:۱-۲ "تیکنامی از روغن معطر بهتر است و روز موت از روز ولادت. رفتن به خانه ماتم از رفتن به خانه ضیافت بهتر است زیرا که این آخرت همه مردمان است و زندگان اینرا در دل خود می نهند."

رومیان ۱۲:۱۵- "ماتم نمائید با ماتمیان."

امثال سلیمان ۱۵:۱- "جواب نرم خشم را برمیگرداند. اما سخن تلخ غیظ را به هیجان می آورد."

فیلیپیان ۴:۶-۷ "برای هیچ چیز اندیشه مکنید بلکه در هر چیز با درخواست و دعا با شکرگزاری مسئولات خود را به خدا عرض کنید و آرامش خدا که فوق از تمامی عقل است و دلها و ذهنهای شما را در مسیح عیسی نگاه خواهد داشت."

اینها واژه های عظیمی هستند. سؤال این است که چه کسی پشت این واژه ها ایستاده؟ چرا باید آفریننده جهان در مورد وضع مالی یا ازدواج من اهمیت بدهد؟ شاید این راهی باشد برای شناختن شخصیت خدا.

یوحنا ۱۶:۳۳

اینها را به شما گفتم تا در من آرامش داشته باشید. در دنیا برای شما زحمت خواهد بود اما دل قوی دارید زیرا من بر دنیا غالب آمده ام.

آیا میتوانم در مورد احتیاجاتم به خدا اطمینان کنم؟

دنیای امروز به ما یاد داده است که شکاک باشیم. همه ما کم و بیش از کسانی که بهشان اطمینان کرده بودیم صدمه دیده ایم، از خانواده، دوست و یا همکار.

شما نظرتان چیست؟ اشخاصی که شکاک هستند آیا در زندگی یاد گرفته اند که اینگونه باشند و به اشخاص دیگر اطمینان نکنند؟

اشخاص ممکن است احساسات پیچیده ای درباره خدا داشته باشند. ممکن است خدا را مسئول ناامیدی ها و ناراحتی هایشان ببینند. ممکن است او را مثل داوری ظالم ببینند که تنها منتظر است خوشی را از زندگی شما بگیرد. به نظر شما چه چیزی باعث چنین طرز فکری نسبت به خدا می شود؟

اطمینانیکه در خدا داریم چگونه است، آیا خدا مسئول ایجاد شک و تردید انسانهاست؟

بگذارید به کتاب مقدس نگاهی بیندازیم.

عبرانیان ۱۳:۵ "از پول دوستی بپرهیزید و به آنچه دارید قانع باشید، زیرا خدا فرموده است شما را هرگز تنها نخواهم گذارد و ترک نخواهم نمود."

عبرانیان ۸:۱۳- "عیسی مسیح امروز نیز همان است که دیروز بود و هرگز تغییر نخواهد کرد." این دو آیه را در کنار هم قرار بدهید. چه نتیجه‌ای در برابر رفتار خدا نسبت به انسانها می‌گیرید؟ شخصاً در برابر این آیات چه عکس‌العملی دارید؟
مزمو ۱:۱۳۹- "ای خداوند تو مرا آزموده و شناخته‌ای."
این جمله‌ها را تکمیل کنید:

اگر خدا کاملاً مرا میشناسد، خیلی ترسناک است زیرا-----
اگر خدا کاملاً مرا میشناسد، خیلی باعث دلگرمی است زیرا-----

به آیات زیر نگاه کنید. این آیات در مورد شخصیت خدا به ما چه می‌گویند؟
مزمو ۸:۲۵-۱۰ "خداوند نیکو و عادل است، او راه راست خود را به کسانی که از راه منحرف شوند نشان خواهد داد و او شخص فروتن را در انجام کارهای درست هدایت خواهد کرد و راه خود را به او تعلیم خواهد داد. خداوند تمام کسانی را که عهد او را نگاه می‌دانند و از او امرش پیروی میکنند، با وفاداری و محبت هدایت میکند."

رومیان ۸:۲۸- "پس اگر ما خدا را دوست می‌داریم و مطابق خواست و اراده او زندگی میکنیم، باید بدانیم که هر چه در زندگی ما رخ میدهد، به نفع ماست."

حال ببینید که احساس خدا نسبت به ما در طول تاریخ بشر چگونه است:

یوحنا ۳:۱۶ "زیرا خدا بقدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاده است، تا هر که به او ایمان آورد، هلاک نشود بلکه حیات جاودان بیابد."

رومیان ۸:۵ "اما ببینید خدا چقدر ما را دوست داشت که با وجود اینکه گناهکار بودیم، مسیح را فرستاد تا در راه ما هلاک شود."

در کتاب مقدس نامهای متفاوتی برای شرح شخصیت خداوند استفاده شده است:

صخره من	قلعه من	پناهگاه من	شبان من
نور من	نجات من	پدر آسمانی ما	رهائی دهنده من
سپر من	ملجای من		

کدامیک از این عناوین شرحی از عقیده شما نسبت به خدا می‌باشد؟ با خواندن این فصل چه نظریات جدیدی در مورد خدا پیدا کردید؟